حقوق گمرکی جبرانی باGATT و سایر توافق‌های مربوطه سازگار بوده و هزینه‌ها یا مخارج دیگر متناسب با هزینه خدمات ارائه‌شده می‌باشد.

علی‌رغم اهمیت ماده ۲ به GATT، اجرای آن می‌تواند دشوار باشد زیرا اعضای سازمان تجارت جهانی مکررا در مورد این که کدام حقوق یا عوارض برای یک کالای خاص اعمال می‌شود، اختلاف نظ دارند. برنامه های تعرفه ای یک کشور به مقوله های اصلی و فرعی محصولات می‌پردازد، اما صراحتا یک نرخ تعرفه برای هر تغییر و اختلاف هر محصول بالقوه مشخص و ارائه نمی دهد. با وجود این مشکلات، نماینده گمرک کشور باید بر برنامه های تعرفه به صورت کتبی برای شناسایی نوع محصول تحت بررسی تکیه کرده و یک نرخ تعرفه را اعمال کند. این امر منجر به مشکلاتی مانند EC-طبقه بندی مرغ می ‌شود که برزیل در خصوص این مورد شکایت داشت که اتحادیه اروپا به اشتباه مرغ تازه بسته بندی شده در نمک را به عنوان برش‌های مرغ تازه نسبت به برش های مرغ نمک اندود شده طبقه بندی کرده است. در این مورد، آئین‌نامه اتحادیه اروپا مبنی بر این بود که نماینده گمرک برش های مرغ نمک‌ اندود شده و مرغ تازه را تفکیک نموده و اظهار می دارد که مرغ باید عمیقا و به طور همگن آغشته به نمک باشد که نسبت به عوارض اعمال شده برای مرغ تازه مطلوب‌تر گردد.

**ماده 8: هزینه‌ها و تشریفات**

ماده 1:8 قانون GATT الزام می دارد که تمام هزینه ها و مخارج تحمیل شده در ارتباط با اهمیت صادرات: (1) محدود به هزینه تقریبی خدمات ارائه شده باشد و (2) یک حمایت غیرمستقیم برای محصولات داخلی و یا مالیات بر واردات یا صادرات برای مقاصد مالی ارائه ندهد. اولین قدم (محدود کردن میزان هزینه خدمات ارائه‌شده) در واقع یک الزام دوگانه می باشد زیرا نیازمند است که (a) یک سرویس ارائه شود، و (b) سطح مخارج از هزینه تقریبی آن سرویس بیشتر نباشد. علاوه بر این، عبارت خدمات ارائه‌شده به معنی خدمات ارائه‌شده به وارد کننده فردی مورد نظر است.

یکی از بحث‌های اولیه در خصوص ماده 8، هزینه کاربر گمرک ایالات متحده بود که توسط هیئت GATT در سال ۱۹۸۷ ذکر شد. در این مورد، اتحادیه اروپا و کانادا، سازگاری GATT با هزینه فرایند ارزشی شارژ شده توسط ایالات متحده را به چالش کشیدند. خدمات گمرکی بر روی همه کالاهای تجاری به ایالات متحده وارد می‌شود. میزان هزینه شارژ شده تنها به ارزش کالای مورد ارزیابی بستگی دارد، و به هزینه‌های ناشی از خدمات گمرکی پردازش کالا بستگی ندارد. ایالات‌متحده استدلال می‌کند که این هزینه متناسب با خدمات ارائه‌شده، به این دلیل است که با هزینه‌های کلی عملیات‌های تجاری خدمات گمرکی متناسب باشد. هیئت منصفه با این نظر مخالف بود و دریافت که که اگر هزینه خدمات به هزینه کل فعالیت‌های مربوط به دولت ارجاع داده شود، در واقع به جای هزینه واقعی خدمات ارائه‌شده به واردکنندگان فردی خواهد بود. ماده 1:8 یک استاندارد عینی ارائه نمی‌کند که براساس آن تقسیم عادلانه این هزینه‌ها می‌تواند حاصل شود. بر این اساس، استدلال شد که هزینه پردازش ایالات متحده با بند 1:8 سازگار است اما تا حدی مغایر با هزینه تقریبی خدمات ارائه‌ شده برای هر وارد کننده فردی است.

به طور مشابه، در منسوجات-آرژانتینی، هیئت منصفه دریافت که ماده 1:8، آرژانتین را از تحمیل عوارض ارزشی بدون هیچ هزینه ثابتی بر واردات پارچه و پاپوش منع کرده است. در آن صورت، آرژانتین در حال محاسبه میانگین قیمت واردات برای هر خط تعرفه منسوجات، پوشاک و پاپوش بود تا مشخص کند که حداقل عوارض خاص برای محصولات این گروه چه بوده‌است. پس از وارد کردن یک ماده در این خط تعرفه‌ها، آرژانتین حداقل عوارض خاص یا یک عوارض ارزشی را بدون هیچ هزینه ثابت وابسته به عوارض، اعمال کرد. در حالی که آرژانتین مدعی شد که این کار برای جبران هزینه‌های خدمات آماری در محاسبه میانگین قیمت واردات برای خط تعرفه‌ها انجام شده‌است، این هیئت حکم داد که عوارض ارزشی هیچ هزینه ثابتی ندارد، و ذاتا به هزینه تقریبی خدمات ارائه‌شده محدود نبوده و در نتیجه مغایر با ماده 1:8 است.

علاوه بر این، در ایالات متحده محصولات EC معین، هیئت سازمان تجارت جهانی حکم داد که ماده 8 ایالات‌متحده را از افزایش الزامات ارتباط بر واردات از جوامع اروپایی منع می‌کند تا مجموعه‌ای از عوارض گمرکی اضافی را در آینده تضمین کند که زمانی توسط اتحادیه اروپا برای عدم انطباق جوامع اروپایی با تصمیم سازمان تجارت جهانی مجاز خواهد شد. آمریکا مدعی شد که شرایط ارتباط افزایش‌یافته برای ترخیص اولیه کالاها هزینه دارد، اما هیئت نشان داد که ایالات‌متحده در ارائه مدرک مبنی بر اینکه الزام ارتباط هزینه تقریبی این خدمات را ارائه می‌دهد، نا موفق بوده است.

**ماده 9: نشانه های مبدا**

ماده نهم مقررات GATT مربوط به قوانین مبدا است، یعنی قوانین تعیین الزامات به منظور برچسب گذاری محصولات خاص با کشور یا منطقه مبدا. طبق ماده 1:9، اعضای سازمان تجارت جهانی ممکن است در مورد محصولات سایر اعضا با توجه به تعیین الزامات توافق نکنند که کم‌تر از روش رفتار مشابه با محصولات هر کشور ثالث مطلوب است. در نتیجه ماده 9 نیازمند رفتار ملی در نشانه‌هایی از قوانین مبدا است همانگونه که ماده 1 نیاز به رفتار ملی بیشتر در زمینه تعرفه‌ها، هزینه‌های دیگر، قواعد و تشریفات مربوط به واردات و صادرات را دارد. علاوه بر این، در حالی که ماده 2:9 تشخیص می‌دهد که نشانه گذاری مبدا برای حفاظت از مصرف کنندگان در برابر برچسب‌های تقلبی یا گمراه‌کننده، مهم است، از اعضای سازمان تجارت جهانی می‌خواهد موانع تجاری را کاهش دهند که ممکن است ناشی از الزامات نشانه‌گذاری داخلی باشد.

ماده 9 چندان وسیع نیست. با این حال، با توجه به اقداماتی که مستلزم برچسب گذاری فرآیند و روش‌های تولید می‌باشد، حتی زمانی که این اقدام مستلزم برچسب گذاری باشد، جایی است که محصول تولید یا برداشت می‌شود. در ایالات‌متحده-ماهی تون/دلفین، یک گزارش اتخاذ نشده، هیئت GATT ادعاهای مکزیک مبنی بر اینکه مقررات قانون اطلاعات مصرف‌کننده حفاظت از دلفین آمریکایی (DPCIA) با ماده ۹ ناسازگار بودند را رد کرد. این مقررات مجازات‌های مدنی برای فروش محصولات ماهی تون با برچسب‌ها و نشانه‌های دیگر را به چالش کشید و ماهی تون در صورتی برداشت شود کهه به دلفین زیانی نرساند اگر ماهی تون در مکان‌های خاصی توسط روش‌های خاصی صید می شود.

هیئتGATT با ایالات‌متحده توافق کرده‌است که این مقررات برچسب زده‌شده مربوط به قوانین غیر تبعیض تنظیم‌شده توسط ماده 1 و ماده 4:3 می باشد و نه نشانه‌های قوانین مبدا که طبق ماده نهم تنظیم شده‌اند. هیئت منصفه استدلال کرد که به این دلیل که ماده نهم مستلزم یک الزام رفتار ملی نیست، بلکه تنها یک نیاز ملی است، هدف آن تنظیم قیمت محصولات وارداتی، اما نه نشانه گذاری محصولات یا فرآیند و روش‌های تولید می باشد.

**ماده ۱۱: حذف عمومی محدودیت‌های کمی**

محدودیت‌های کمی و محدودیت‌های وارداتی شامل موانع تجاری غیر تعرفه‌ای از جمله واردات و مجوزهای صادراتی، سهمیه ای، ممنوعیت ها و تحریم ها است. در اصل، محدودیت‌های کمی برای واردات محدودیت مطلق هستند، چرا که آن‌ها قواعد ثابتی را تحمیل می‌کنند که نمی‌توانند توسط وارد کننده بر آن غلبه شود. بر خلاف مقررات داخلی که در داخل مرزها اجرا می‌شود، محدودیت‌های کمی مانع می شود که یک محصول وارد بازار شود و در آن رقابت نکند، و رقابت داخلی ایجاد شود.

ماده 1:11، یک الزام GATT، منع اعضای سازمان تجارت جهانی از قرار دادن محدودیت‌های کمی و یا محدودیت بر واردات هر یک از محصولات کشورهای عضو و یا صادرات هر محصول داخلی به قلمرو عضو دیگر می باشد. در انجام این کار، ماده ۱۱ اولویت قوی GATT و مذاکره کنندگان نشست اروگوئه برای تعرفه‌ها در تقابل با محدودیت‌های مرزی غیر تعرفه‌ای را نشان می‌دهد. این مذاکره کنندگان به عمد تعرفه‌های حفاظت از مرز را به دلیل ایکه شفاف‌تر و آسان‌تر هستند بدون اینکه تجارت را بر خلاف محدودیت‌های کمی متوقف کنند، و شاید از همه مهم‌تر، قادر به کاهش قطعی در طول زمان هستند.

ماده ۱۱ علی‌رغم انتخاب سیاست قوی، استثنائات را در قانون ارائه می‌دهد، از جمله (۱) ممنوعیت صادرات و یا محدودیت‌های اعمال‌شده به طور موقت برای جلوگیری یا کاستن از کمبودها در مواجه با طرف صادرکننده و (2) محدودیت‌های وارداتی که برای حذف مازاد موقتی محصول داخلی طراحی شده‌اند. علاوه بر این، دیگر ماده های GATT ممکن است با تحمیل محدودیت‌های کمی به کار گرفته شوند. برای مثال، طبق ماده ۱۳، محدودیت‌های کمی باید مطابق با مطلوب‌ترین رفتار ملی اعمال شوند.

**ماده 20: استثنائات عمومی برای GATT و شاپو**

ماده 20، ده استثنا مربوط به سیاست GATT را شناسایی می‌کند که مقررات GATT را توجیه می‌کند و می‌تواند یک معیار مغایر با GATT را موجه نماید. برای واجد شرایط بودن به عناون استثنا، معیار نقص کننده نه تنها باید در محدوده یکی از ۱۰ استثنا قرار گیرد، بلکه باید به شیوه‌ای اعمال شود که تبعیض اختیاری یا غیرقابل‌توجیه بین کشورهایی اعمال کند که در آن‌ها شرایط یک‌سان غالب است یا یک محدودیت پنهان در تجارت بین المللی وجود داشته باشد. این شرط در کاربرد معیارها به عنوان شاپو (پیش زمینه) ماده 20 اطلاق می‌شود زیرا در بند مقدماتی ماده 20 است.

ده معیار استثنا از مقررات GATT آنهایی هستند که (1) برای حفاظت از اخلاق عمومی لازم هستند؛ (2) برای حفاظت از حقوق بشر، حیوان یا گیاهی و سلامتی لازم هستند و (3) مربوط به محصولات کارگران زندانی هستند؛ (4) برای حفاظت از گنجینه‌های ملی هنری، تاریخی، و یا باستانی تحمیل شده؛ یا (5) مربوط به حفاظت از منابع طبیعی ماندگار بوده که در رابطه با محدودیت‌های تولید و مصرف داخلی فعالیت می‌کنند.

ماده 20 به عنوان یک موضع دفاعی مثبت در طرح حل اختلاف سازمان تجارت جهانی عمل می‌کند. ماده 20 پس از آن مطرح می‌شود که اقدامات عضو با GATT مغایر بوده و عضو مدافع که مسئولیت ثابت کردن ماده 20 را بر عهده دارد، اقدامات مربوط به مقررات GATT را معاف می‌کند. عضو مدافع باید ابتدا نشان دهد که این معیار متناسب با موارد استثنائی ماده 20 است. برای استثنائات ماده 20 که نیاز به دفاع از عضو دارد تا ثابت کند که این معیار برای رسیدن به یک هدف مشخص ضروری است (به عنوان مثال برای حفاظت از انسان، حیوان، و یا سلامت گیاهی). این به این معنی است که عضو مدافع باید یک دعوی تشکیل دهد که (1) منافع مشترک یا ارزش‌هایی حفاظت شده توسط این معیارها، مهم هستند، (2) این معیار به طور مؤثر به تحقق اهداف آن پی می برد، و (3) تاثیر محدود معیار بر روی تجارت بین‌الملل با کمک به ارزش‌ها یا منافع اعلام‌شده بیشتر می‌شود. سپس عضو شاکی می‌تواند استدلال‌های عضو مدافع را با ارائه گزینه‌های کمتر محدود کننده، رد کند. سپس عضو مدافع باید نشان دهد که این جایگزین‌ها موثر یا عملی نیستند.

اگر عضو مدافع، موفق شود نشان دهد که این معیار متناسب با یکی از موارد ذکر شده در استثنائات ماده 20 است، بعدا باید نشان دهد که این معیار به عنوان یادآوری مطابقت دارد، به این معنی که، این معیار تبعیض های خودسرانه یا غیرقابل توجیه بین کشورهائی نیست که در آن شرایط مشابهی وجود داشته باشد یا این که محدودیت های پنهانی در تجارت بین المللی باشد. به طور کلی، انطباق با این استاندارد دشوارتر از تثبیت معیاری است که متناسب با یکی از ۱۰ استثنای سیاست باشد. برای مثال، ایالات‌متحده در قانع کردن شاپو در میگو- ایالات‌متحده ناکام ماند. در این صورت، آمریکا صید میگو تحت قوانین کشورهایی که توسط آمریکا تایید نشده اند را ممنوع کرد، همین طور که قوانین کافی در مورد حفاظت آنها را وضع کرده است.